



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه تحصیلی جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته اندیشه سیاسی در اسلام

عنوان:

«بررسی چالش های مشروعیت در سه الگوی اسلام سیاسی: اسلام سیاسی انقلابی، محافظه

کار و رادیکال»

استاد راهنما:

دکتر شجاع احمدوند

استاد مشاور:

دکتر محمد باقر خرمشاد

پژوهشگر:

فرزاد نادری زرنه

تیر ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیر و تشکر:

«من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق»

بر خود لازم می دانم مراتب تقدیر و تشکر را از دو استاد عزیزم که این پایان نامه به مساعدت های آنها به انجام رسیده است، به جا آورم:

آقای دکتر شجاع احمدوند که راهنمایی پایان نامه را بر عهده داشتند و دقت نظر ایشان در مراحل مختلف پایان نامه باعث غنای کار گردیده است او که در وهله اول برایم چونان پدري دلسوز و مهربان و سپس استادی فاضل و فرهیخته بود

جناب آقای دکتر محمد باقر خرمشاد که مشاوره پایان نامه را بر عهده داشتند و راهنمایی ارزنده ایشان روشنی بخش راه اینجانب در کار تدوین پایان نامه بوده است .

تقدیم:

«من مرغ آتشم

می سوزم از شراره این عشق سرکشم

چون سوخت پیکرم

چون شعله های سرکش جانم فرو نشست

آنگاه باز از دل خاکستر

بار دگر تولد من

آغاز می شود

و من دوباره زندگیم را

آغاز می کنم

پر باز می کنم

پرواز می کنم».

تقدیم به خانواده ام:

که کانون گرم آن

روشن بخش جانم بود

چکیده

در ابتدای این پژوهش ما به کلیاتی در باب طرح مسئله، سوالات، فرضیه ها، روش جمع آوری و گردآوری داده ها و... پرداختیم. در مقدمه ما یک سوال اصلی و سه سوال فرعی را در باب مشروعیت در الگوهای اسلام سیاسی حاکم و به تبع آن یک فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی را به عنوان پاسخ های احتمالی به سوالات مذکور عنوان کردیم. در فصل اول با عنوان «چارچوب نظری: مشروعیت در الگوهای اسلام سیاسی» پس از بحث های مقدماتی به مفهوم مشروعیت سیاسی پرداخته و سپس منابع مشروعیت از دیدگاه اندیشمندان مختلفی را بررسی کردیم، سپس مشروعیت را در جریان های اصلی اندیشه اسلامی را بررسی و در نهایت بنیان های مشروعیتی را در سه الگوی اسلام سیاسی انقلابی، محافظه کار و رادیکال را به بحث گذاشته ایم. در این فصل، ما بنیان های فکری در سه الگوی مذکور را که مشروعیت آن الگوها بر مبنای آنها قرار دارد و برخی حاملان و قائلان به هر یک از سه الگو را به عنوان نمونه مد نظر قرار دادیم. در اسلام محافظه کار ما به مباحثی چون بازگشت به سلف صالح، نفی بدعت، مخالفت با عقل، فلسفه، تفسیر قرآن، خلافت دینی-عربی، دشمنی با شیعیان پرداختیم. از نظر این الگوی اسلام سیاسی هر حکومتی که اصول مذکور را مد نظر قرار دهد و در راستای عملیاتی کردن آنها بکوشد، دارای مشروعیت سیاسی و در غیر اینصورت فاقد مشروعیت است. در الگوی اسلام بنیاد گرا اصول فکری آنها را مطرح کرده و از مباحثی چون احیای مدل خلافت، نفی مدنیت غربی، بازگشت به عصر قبل از تجدد خود و حق پنداری ستیز گرایانه یاد کردیم، حال اگر حکومت یا شخصی خاص این اصول را پیاده و یا در راستای عملیاتی کردن آنها باشد، دارای مشروعیت سیاسی است و نهایتاً اینکه در الگوی اسلام انقلابی ما به سه نظریه: که گروهی قائل به مشروعیت الهی حکومت، گروهی قائل به مشروعیت مردمی و گروهی نیر معتقد به مشروعیت الهی-مردمی هستند، پرداختیم. در فصل دوم ما به الگوی اسلام سیاسی انقلابی پرداختیم و در این الگو اسلام سیاسی که اولین الگوی مورد بررسی ما بوده، مابه چالش اسلامیت و جمهوریت پرداختیم و پس از اندک بحث های تاریخی در چگونگی شکل گیری اسلام سیاسی انقلابی، به چالش اسلامیت-جمهوریت و برخی نمود های عینی آن از قبیل مونیسم در تقابل با پلورالیسم، اسلامی یا دمکراتیک بودن حکومت، قطعیت در مقابل عدم قطعیت در اجرای احکام اسلامی، محدود بودن آزادی به شرع یا اصول مدرن، و... پرداختیم و این شاخص ها را در اندیشه دو تن از قائلان به هر یک از مقوله های اسلامیت و جمهوریت بررسی کردیم. در گفتمان اصول گرا ما تمرکز خود را بر روی اندیشه آیت الله مصباح یزدی و در گفتمان اصلاح طلب اندیشه دکتر سروش را مورد بررسی قرار دادیم. و خوانش هر یک از این اندیشمندان در باب شاخص های فوق الذکر را بررسی و در اثنای این بررسی تقابل میان قرائت آنها را برجسته کردیم. در فصل سوم ما به چالش های مشروعیت در اسلام سیاسی محافظه کار پرداختیم و در ابتدا ما بحث مختصر تاریخی درباره ظهور گفتمان اسلام سیاسی محافظه کار را مطرح کرده، در مرحله بعد به اصول اساسی اسلام محافظه کار در قالب

هفت عنوان چون پیوند فقه و حدیث، استفاده از دستاوردهای نسل اول اسلام، واقع نگری، پیروی از نصوص شرع و... اشاره کردیم و سپس به چالش حفظ وضع موجود در تقابل با نگاه امروزی پرداخته و نمود های عینی آن را چون یکسان انگاری یا یکتانگاری معرفت دینی و دین، ارجاع پدیده های دینی به مبدأ واحد یا به تکثر مبانی، اتکا یا عدم اتکا به میراث و سنت، جزمیت یا عدم جزمیت فکری و کمرنگ کردن یا پر رنگ کردن نگره تاریخی مورد بررسی قرار داده ایم و سپس این مقوله ها را در اندیشه دوتن از اندیشمندان به عنوان نماینده گفتمان اسلام محافظه کار (قرضاوی) و ابو زید (با نگاه امروزی) به بحث گذاشتیم. در فصل پنجم با عنوان «چالش مشروعیت در اسلام سیاسی بنیاد گرا» در ابتدا به لحاظ تاریخی به ظهور گفتمان اسلام بنیاد گرا اشاره شده است و مبانی تفکری این شق از اسلام و اصول فکری آنها در قالب مقوله هایی چون احیای مدل خلافت، بازگشت به عصر قبل از تعجد، خود حق پنداری ستیز گرایانه و... به بحث و فحص گذاشتیم و مقوله های جامعه، حکومت و مشروعیت را در اندیشه دو تن از اندیشمندان بنیاد گرا (قطب به عنوان گذشته گرا و مودودی، به عنوان کسی که دارای نگاه امروزی است) رابه بحث گذاشته ایم در این فصل تقابل میان گذشته گرایی و نوگرایی را در اندیشه این دو اندیشمند برجسته کرده ایم. با توجه به مطالبی که در بالا ذکر شد ما شاهد تقابلی اساسی میان اصول مدرن و اصول سنتی هستیم که همین تقابل باعث نزاع میان این اصول شده و با توجه به اینکه در دنیای مدرن مولفه های دموکراتیک از قبیل آزادی (بیان، مطبوعات، عقیده و...) و حقوق بشر، حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، پلورالیسم سیاسی و مذهبی و سر شکن شدن قدرت، محوریت حق و نه تکلیف، طرد دگماتیسم و خوانش های تکینی، به عنوان پارادایم های مسلط در اکثر کشورها پذیرفته شده است، ما شاهد این امر هستیم که در کشورهای اسلامی، بالاخص در میان کشورهای محافظه کار و بنیاد گرا مولفه های مطرود شده مذکور توسط حاکمیت و گروهی که طرفدار هیئت حاکمه هستند مورد تأکید قرار می گیرد. این در حالیست که مردم در این کشورها در معرض آشنایی با اصول مدرن فوق الذکر قرار گرفته اند و آن اصول راحق ذاتی و طبیعی خود می پندارند که همین امر باعث تضاد میان مردم که خواهان نوگرایی و حکومت ها که خواهان حفظ وضع موجود هستند، می شود و باعث می شود که مشروعیت حکومت در این کشورها با چالش های اساسی روبه رو شود.

واژگان کلیدی: مشروعیت، اسلام انقلابی، اسلام محافظه کار، اسلام رادیکال

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱۲
۱. طرح مسئله.....	۱۲
۲. سوالات و فرضیه ها	۱۵
سوالات اصلی	۱۵
فرضیات اصلی پژوهش.....	۱۵
۳. تعریف مفاهیم	۱۶
۳-۱. اسلام سیاسی انقلابی	۱۶
۳-۲. مشروعیت سیاسی	۱۷
۳-۳. اسلام سیاسی بنیاد گرا(رادیکالیسم)	۱۸
۳-۴. اسلام سیاسی محافظه کار	۱۸
۴. ادبیات تحقیق	۱۹
۵. اهداف پژوهش	۲۰
۶. روش تحقیق و گردآوری داده ها	۲۱
۷. مشکلات و تنگناهای تحقیق	۲۱
۸. سازماندهی پژوهش	۲۲
فصل اول، چارچوب نظری: مشروعیت درالگوهای اسلام سیاسی.....	۲۳
۱. مفهوم مشروعیت سیاسی	۲۴

۲۹	۲. مشروعیت در جریان های اصلی اندیشه اسلامی.....
۲۹	۲-۱. ملاک مشروعیت حکومت از دیدگاه تشیع.....
۳۰	۲-۲. مشروعیت حکومت از دیدگاه اهل تسنن.....
۳۳	۳. مشروعیت در اسلام سیاسی محافظه کار.....
۳۴	۳-۱. بازگشت به اسلام نخستین و سنت سلف صالح.....
۳۴	۳-۲. نفی بدعت.....
۳۵	۳-۳. خلافت دینی - عربی و ضدیت با ترکان عثمانی.....
۳۵	۳-۴. دشمنی با شیعیان.....
۳۶	۴. مشروعیت در اسلام سیاسی رادیکال.....
۳۶	۴-۱. احیای خلافت آرمانی.....
۳۷	۴-۲. مبارزه با نوآوری های مدنیت غربی.....
۳۷	۴-۳. تفسیر سخت گیرانه از مفاهیم دینی.....
۳۷	۴-۴. خود حق پنداری ستیز گرایانه.....
۳۸	۵. مشروعیت در اسلام انقلابی.....
۳۹	جمع بندی فصل.....

فصل دوم: چالش های مشروعیت در اسلام سیاسی انقلابی..... ۴۲

۴۲	۱. ظهور گفتمان اسلام سیاسی انقلابی.....
۴۷	۲. چالش جمهوریت - اسلامیت و شاخص های آن.....

۴۷	۱-۲. مشروعیت مردمی - الهی.....
۵۷	۲-۲. اولویت: اسلامیت - جمهوریت
۶۸	۲-۳. اجرای احکام اسلامی: قطعیت یا عدم قطعیت.....
۷۱	۲-۴. آزادی مشروط به اصول شرع یا اصول مدرن
۷۱	۳. برخی نمود های عینی چالش اسلامیت - جمهوریت.....
۷۶	۳-۱. چالش امکان سازش با غرب
۷۹	۳-۲. چالش مونیسم - پلورالیسم
۸۲	۳-۳. چالش حق - تکلیف.....
۸۹	۳-۴. چالش خوانش اقلی یا اکثری
۹۱	جمع بندی فصل

فصل سوم: چالش های مشروعیت در اسلام سیاسی محافظه کار..... ۹۳

۹۳	۱. ظهور گفتمان اسلام سیاسی محافظه کار.....
۹۹	۲. شاخصه های اسلام سیاسی محافظه کار.....
۹۹	۲-۱. پیوند فقه با حدیث.....
۹۹	۲-۲. اعتدال و میانه روی.....
۱۰۰	۲-۳. دعوت اندیشمندان محافه کار به میانه روی.....
۱۰۱	۲-۴. استفاده از سنت صالح.....
۱۰۲	۲-۵. پیوند بین سلفیت و تجدد گرایی.....

- ۶-۲. ترجیح کلیات بر جزئیات..... ۱۰۲
- ۷-۲. پیروی از نصوص و رعایت مقاصد شرع..... ۱۰۲
- ۸-۲. قائل شدن به تفاوت بین متغیرات زمان و ثوابت اسلام..... ۱۰۲
- ۹-۲. واقع نگری..... ۱۰۲
۳. نمود های چالش حفظ وضع موجود و نگاه به آینده ۱۰۲
- ۱-۳. یکسان انگاری معرفت دینی و دین یا یکتا انگاری آنها ۱۰۲
- ۲-۳. ارجاع یا عدم ارجاع پدیده های دینی به مبدأیی واحد ۱۰۶
- ۳-۳. تکیه صرف بر مرجعیت سنت یا اتکا بر آن به عنوان یک عامل ۱۰۹
- ۴-۳. جزمیت فکری یا عدم جزمیت ۱۱۳
- ۵-۳. کم رنگ کردن نگره تاریخی یا پررنگ کردن آن ۱۱۹
- ۶-۳. حاکمیت در گفتمان اسلام سیاسی قرضاوی و ابو زید ۱۲۳
- جمع بندی فصل ۱۳۰

فصل چهارم: چالش های مشروعیت در اسلام سیاسی رادیکال..... ۱۳۷

۱. ظهور گفتمان اسلام سیاسی رادیکال..... ۱۳۷
۲. شاخصه های اسلام سیاسی رادیکال..... ۱۴۱
۳. چالش گذشته گرایی-نوگرایی..... ۱۴۷
- ۱-۳. چالش جامعه گرایی - دولت گرایی ۱۴۸
- ۲-۳. چالش تئو مونو کراسی-تئو دمو کراسی ۱۶۳

۱۷۵.....بحث و نتیجه گیری

۱۸۴.....منابع و مأخذ

مقدمه

۱. طرح مسئله

انحطاط و عقب ماندگی داخلی و هجوم گسترده و همه جانبه استعمار غربی به جهان اسلام در قرون اخیر و مساله اساسی با ابعاد و آثار و عوارض فکری-فرهنگی، سیاسی-نظامی و اقتصادی-اجتماعی بود که مسلمانان بلاد و اقشار گوناگون جوامع مسلمان اعم از سیاستمداران و روشنفکران، علما و متفکران را به واکنش واداشت. در پی تحولات داخلی در جهان اسلام، مسلمانان از یک طرف گرفتار فقر و فلاکت فساد و تباهی، و در نهایت عجز و عقب ماندگی دست و پا می زدند و از طرف دیگر آنها در معرض تهاجم غرب و تمدن غربی قرار گرفتند که در برخورد با این مسائل و در رفع نابسامانیهای داخلی و هجوم های خارجی، برخی از سیاستمداران، روشنفکران، علما و متفکران و رجال دینی و سیاسی از نظر فکری یا سیاسی و یا هر دو موضع گیریهایی داشتند که عمدتاً دفاعی و در ابعاد مختلف و فراوان بود، هر چند که متن حوادث و تحولات سیاسی-نظامی و اقتصادی-اجتماعی داخلی و در ارتباط با غرب نیز در گسترش و پیشرفت این واکنش ها تاثیر داشت. در یک تقسیم بندی کلی و اولیه می توان سه دسته از واکنشها و نهضتها را از هم تفکیک کرد:

- ۱- واکنشها و نهضتها سیاسی-نظامی و اجتماعی ۲- واکنشها و نهضتها فکری - فرهنگی و اعتقادی ۳-
- واکنشها و نهضتها جامع و کامل، البته این واکنشها تاثیر متقابل بر هم داشتند، بخصوص که نهضتها فکری - فرهنگی به دلیل نقش بنیادی فکر و فرهنگ و ذهنیتها در مواردی به سایر ابعاد سرایت کرده، تبدیل به نهضتی جامع و کامل می شدند. خود جریانها از نظر محتوا و در تفکر و مواضع عملی به چند دسته تقسیم بندی می شوند.
- واکنشهای مسلمانان در ۲ قرن اخیر را می توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- جریان پیروی از تمدن غرب، از غربگرایی

تا غرزدگی ۲- جریان احیا و باز سازی تفکر دینی از بنیاد گرایی تا رادیکالیسم اسلامی (موثقی، ۱۳۸۲: ۲۲) در زیر مجموعه دسته اول، گروهی دل در گرو لیبرالیسم داشتند و راه حل مشکلات جهان اسلام را در لیبرال دموکراسی دیدند و گروهی رو به سوسیالیسم آوردند و جمعی به ناسیونالیسم با شقوق مختلف آن روی آوردند. هر دسته و گروهی، نسخه ی حل مشکل جهان اسلام را از همان منظری پیچیدند اما رفته رفته با اثبات نا کارآمدی رویکرد های یاد شده، جریان های فکری متکی بر دین و علائق دینی رو به گسترش نهادند و از دین به عنوان ایدئولوژی و منبع انرژی سیاسی-اجتماعی استفاده نمودند. پس از عقیم ماندن رویکردهای بیرونی تنها آلترناتیو باقی مانده، اسلام بود، «اسلام هو الحل». جریان پیروی از تمدن غرب با یک تقدم تاریخی نسبت به جریان دوم از سوی روشنفکران شکل گرفت. سیاستمداران و رجال سیاسی، اداری، نظامی، صاحبان مشاغل و دانشجویان ترکیب اجتماعی این گروه را تشکیل می دادند. اینان از لحاظ روانشناختی انگیزه ها و اهداف گوناگونی داشتند و از نظر نحوه نگرش، شیوه تفکر و نوع جهان بینی تحت تاثیر نحله های فکری و فلسفی اروپا با آراء و نظریات گوناگون و نامتجانس بودند. آنها به لحاظ همین جنبه ها وسیعترین و متنوع ترین جریان را به وجود آوردند و به نام های گوناگونی چون غربگرا، لیبرال، مارکسیست و سوسیالیست خوانده می شدند که این رنگارنگی خود از وسعت اختلافات حکایت می کند، این جریان در دو قرن اخیر در برخورد روزافزون مسلمانان با اروپاییان و رویکرد عملی آنها به غرب شکل گرفت، در واقع تقلید همه جانبه از نهادها ارزش ها و الگوهای غربی، فرهنگ و تمدن غرب، خودباختگی و بی هویتی و جهت گیریهای مبتنی بر لیبرالیسم، ساینتیسم و ناسیونالیسم از مشخصه های اصلی این جریان بود و از طرف دیگر این جریان به عنوان یک جریان اسلامی مایل به کنار نهادن دین نبود.

به گفته هشام شرابی «هدف دنیا گرایان مسلمان از باز نگه داشتن در به روی تأثیرات نوگرایانه و در عین حال حمایت از میراث سنتی، ایجاد هم نهادی در این قطب های مخالف بود که این نقش به جوانان مسلمان کاملاً برآورده بود». هدف اصلی آنها دقیقاً سازگار شدن با نیازهای کارکردی تجدید بود (شرابی، ۱۳۸۴: ۳۶). نخبگان این جریان به دلیل عدم استحکام و تمرکز نظری دقیق و روشن، شناخت عمیق و جامعی نسبت به غرب و اصول ارزشی و ملاحظات روش شناختی دانش و تمدن آن نداشتند «آنان در افکار خود به پیروی از جریانی متمایل شدند که کمترین مقاومت را داشت و به طور روز افزون به منافع عملی روی آوردند». همین عمل باعث شکست آنها و رهیافت آنها شد نخبگان این گروه بودند که با پذیرش تقلیدی و سطحی برخی از مظاهر غرب بدون تبیین دقیق و

عمیق مسئله غرب و با عدم شناخت و تحلیل دقیق و عمیق واقعیات زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع خود و بی اعتنا به مساله فقر، رنج و بی عدالتی گریبانگیر مردم به گرایشهای غربگرا و غربزده و محافظه کار روی آوردند و این جهت گیری آنها به جهان بینی مسلط بورژوازی ملی و وابسته حاکم مبدل شدند با این اوصاف عملکرد رویکرد های برونزاد و ناتوانی رهیافت آنها برای ما روشن شد حال به رهیافت های درونزاد می پردازیم. ناسیونالیسم در جهان اسلام به رغم پاره ای از موضع گیری های سیاسی مقطعی علیه غرب، در روند تکاملی خود بدون پشتوانه فکری و عملی مستقل، ماهیتاً نمی توانست به حل و رفع پایدار و عمیق نا رسیبهای داخلی و مبارزه جویی با تمدن غرب برخیزد، چرا که خود ریشه در تفکر جدید غرب داشت و آمیخته با انواع آرای نامتجانس و متأثر از الگو های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی غربی بود. در اینجا بود که نیاز به تکینه ای بی همتا احساس می شد که تراث مسلمانان را با دستاوردهای غرب پیوند زند اسلام، دال در متنی که ۴۰۰ سال، عمل به فرامینش باعث سیادت مسلمانان بر دنیا شده بود اکنون به حاشیه رانده شده بود این دال می بایست به متن باز گردانده می شد و آلترناتیوی مطمئن برای رویکردهای مذکور می شد، اسلام دال مرکزی و واژه نهایی بود که مسلمانان از آن استفاده کردند و دست به ایجاد حکومت و به وجود آوردن سبک عمل سیاسی زدند اسلام رسوب کرد با توجه به حالت اسطوره ای داشتن، پاسخگوی تمامی نیازهای مسلمانان بود هژمونیش گسترش یافت و دست به غیریت سازی زد، آلترناتیوهای از جا کنده مقهور آن شدند و عرصه را به جریان فکری اسلام، این رقیب قدرتمند دادند که امروزه نیز به اشکال مختلف سیطره اش گسترده است. گسترش جریان خیزش اسلام از اواخر دوره دهه ی ۱۹۷۰ و بویژه انقلاب اسلامی در ایران، بی گمان یکی از مهم ترین پدیده های سیاسی در خاور میانه است قبل از آن، تنها جریاناتی نظیر اخوان المسلمین و گروههای انشعابی در رادیکال آن در جهان عرب و بویژه در مصر به فعالیت مشغول بودند اما پس از انقلاب اسلامی ایران ما شاهد ظهور تدریجی گروههای اسلام گرای جدید در کشور های مسلمان هستیم با این همه جریان اسلام گرایی در خاور میانه، بویژه در جهان عرب حرکتی یکپارچه و یکدست نبوده است.

ما شاهد ظهور طیف های گوناگون از جنبش های اسلامی در کشور های مختلف بوده ایم ولی در کل می توان دو موج اساسی را عنوان کرد: موج اول در زمانه سید جمال جریان داشت که حامیان این موج سنتی ها بودند و هدف آنها اصلاح در چارچوب حکومت زمانه خود بود. موج دوم که بعد از انقلاب اسلامی به وجود آمد

و حامیان آن تحصیلکرده ها و انتلکتوئل هایی بودند که دنبال ایجاد حکومت اسلامی و نه اصلاح حکومت بودند از این زمان به بعد ما شاهد استقرار حکومت های اسلامی هستیم حکومت های اسلامی متکی بر شرع و تحت قوانین الهی. در مورد محتوا و ساختار حکومت اسلامی میان گروهها اتفاق نظر وجود نداشت بعد از شکل گیری دول اسلامی در جهان اسلام دشواره ها و مسائل فراوانی در باب چگونگی این دول و حکم بوجود آمد. یکی از اساسی ترین و البته اساسی ترین پرسش بدین گونه بود: منشأ حکومت کجاست؟ دوم اینکه شکل حکومت چگونه باشد و اینکه برخورد دول نو ظهور با دنیای خارج از خود و خصوصاً در برابر "دگر سازنده" یا "غیر" چگونه باشد؟ و دیگر اینکه از آنجا که "مشروعیت" که اساسی ترین دلیل مبقیه یک حکومت است این سؤال مطرح است که منبع مشروعیت چیست؟ از آن مردم است؟ یا از آن نیروی ماورالطبیعی است؟ با گذر زمان ما شاهد این مهم هستیم که مسائل پروبلماتیک چندی در باره دولت های حاکم بر مردم بوجود آمده است که تکلیف مردم در برابر حکومت های فاقد مشروعیت چیست؟ چه کسی یا کسانی تعیین کننده مشروعیت یا عدم مشروعیت یک دولت است؟ تکلیف دول مسلمان در مقابل خواسته های مسلمانان چیست؟ یا عقلای قوم می توانند به جای کافه مسلمانان دست به اتخاذ تصمیم بزنند با این توجیه که عامه بر سبیل خطایند؟ و در نهایت سؤالی که ما در این پژوهش در صدد پاسخ گویی به آن هستیم: چالش های مشروعیت در الگو های اسلام سیاسی کدامند؟ در الگوی اسلام سیاسی چالش چیست؟ در اسلام محافظه کار؟ و در اسلام رادیکال چالش ها چیستند؟

۲-سوالات و فرضیه ها

سوال اصلی

اسلام سیاسی در دوران معاصر با کدامین چالش مشروعیتی روبه روست؟

سوالات فرعی

۱-مهم ترین چالش مشروعیت در الگوی اسلام سیاسی انقلابی چیست؟

۲-مهم ترین چالش مشروعیت در الگوی اسلام سیاسی محافظه کار چیست؟

۳-مهم ترین چالش مشروعیت در الگوی اسلام رادیکال چیست؟

فرضیه اصلی پژوهش

به نظر می‌رسد اسلام سیاسی در دوران معاصر با چالش عمده سنت-تجدد مواجه است.

فرضیات فرعی پژوهش

۱- مهمترین چالش مشروعیت در الگوی سیاسی انقلابی، چالش اسلامیت-جمهوریت است.

۲- مهمترین چالش مشروعیت در الگوی سیاسی محافظه کار، چالش حفظ وضع موجود در تقابل با نگاه مترقی است.

۳- مهمترین چالش مشروعیت در الگوی سیاسی رادیکال، چالش نگاه به گذشته در تقابل با نگاه امروزی است.

۳- تعریف مفاهیم

۳-۱- اسلام انقلابی

در خصوص اسلام سیاسی تعاریفی از اندیشمندان ایرانی و غربی آورده می‌شود: اصطلاح اسلام سیاسی در غرب برای نامیدن جریانی در جهان اسلام که سودای ایجاد تغییر و تحول در جوامع اسلامی با تکیه بر دین اسلام به کار می‌رود. شاید دلیل اینکه غرب اسلام را به سیاسی و در نتیجه غیر سیاسی تقسیم کرده، این باشد که در قاموس غربیان سکولار اساساً دین بایستی غیر سیاسی باشد. چرا که در چارچوب فکری ایشان دین دارای کارکرد و نقشی صرفاً فردی و نه قطعاً اجتماعی است. گراهام فولر در تعریف اسلام سیاسی گفته است: «استعمار گران غربی افکار و نهاد های اسلامی را به حاشیه راندند و تضعیف کردند و رهبران پس از استقلال نیز عملکرد بهتری نداشتند و سعی کردند از مدل های شبه فاشیستی غربی برای اعمال کنترل اقتدارگرایانه خود بهره بگیرند». تنها در این زمان است که اسلام وارد دوره جدیدی از خلاقیت، آزادی و استقلال می‌شود، در تعریف فولر از اسلام سیاسی این پدیده امری متأخر است که از تلاقی تمدن غرب و تمدن اسلام متولد می‌شود. به عبارت دیگر اسلام سیاسی یکی از پاسخ های جهان اسلام به حضور غرب استعمار گر، فرهنگ غربی در سرزمین های اسلامی است. الیویه روا براین باور است که «حرکت های اسلامی از دهه ی ۶۰ به این طرف مستقیماً با هدف کسب قدرت سیاسی وارد سیاست شدند.

آنها اسلام را کلی و همه جا گیر می دانند و در سیاست نیز به این امر معتقدند بنا بر این از نگاه اسلام گرایان کافی نیست که جامعه از مسلمانان تشکیل شده باشد، بلکه اسلام باید اساس و بنیاد آن باشد» (درخشه، ۱۳۸۷: ۲۳). به نظر امیر احمدی «غریبها فکر می کنند اسلام سیاسی پدیده ای است که در جهت مبارزه با مدرنیته بوجود آمده و هدف آن، حفظ ارزش های سنتی در جوامع اسلامی است و می کوشد جلوی پیشرفت در این کشور ها را بگیرد». البته اسلامیون این استدلال را رد می کنند زیرا اسلام سیاسی فقط مبارزه با تجدد گرایی نیست، بلکه واکنشی به بی عدالتی و نابرابریهاست که در جوامع اسلامی وجود دارد اسلام یا حرکت های اسلامی در جهت ایجاد جامعه اسلامی بر اساس عدالت اجتماعی و دمو کراسی است». رضا شیخ الاسلامی در تعریف اسلام سیاسی می گوید: «اسلام سیاسی به این معناست که در جهان بی عدالت نمی توان عادل باقی ماند. اسلام سیاسی یعنی اطلاق استاندارد های سیاسی به ارزش های دینی، اسلام سیاسی یعنی اینکه تنها به فکر آخرت نباشیم». حسینی زاده در کتاب اسلام سیاسی در ایران «مفهوم اسلام سیاسی را بیشتر برای توصیف آن دسته از گروههای سیاسی اسلامی به کار می برد که خواستار حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند، بنابر این اسلام سیاسی را می توان گفتمانی به حساب آورد که که گرد مفهوم حکومت اسلامی نظم یافته است» (حسینی زاده، ۱۳۸۷: ۳۱). اسلام سیاسی یعنی جستجوی راه حل غلبه بر مسائل و معضلات عقب ماندگی در خود اسلام تا مرز در اختیار گرفتن قدرت سیاسی و تشکیل حکومت اسلامی است

۲-۳- مشروعیت سیاسی

یکی از مفاهیم اساسی علم سیاست می باشد که درک و فهم آن نیازمند دقت وافر است. زیرا تمامی اجزاء نظام سیاسی از آن الهام می پذیرند. در واقع، مشروعیت ماهیت ادعای حاکم نسبت به قدرت تلقی می شود سلطه و قدرت سیاسی بر مبنای نظری خاصی استوار است که اگر آن مبنای در نظر گرفته نشود، قدرت سیاسی با عدم مشروعیت سیاسی روبرو می شود. هر واحد سیاسی از اینکه دچار عدم مشروعیت شود بسیار نگران خواهد شد. زیرا عدم مشروعیت سیاسی آسیبهای زیادی را در پی خواهد داشت. خویشاوندگرایی، گروه گرایی، دخالت نظامیان در امور سیاسی (کودتا)، عدم رعایت قانون از سوی حکام، فساد و ارتشاء و نفوذ گروه بندی های اقتصادی در سیاست از جمله این آسیبها می باشند. از اینرو نظام مشروع، نظامی سالم است. حکومتهای مشروع کلاً ملایم تر و آزادمنش تر هستند. رضایت عمومی که به این نوع حکومتها ابراز می شود چون منطبق با ایمان مشترک و عمومی

است. حکومت را از رجوع به اعمال زور معاف می‌سازد. بالعکس حکومت‌های نامشروع که علیه معتقدات و ایمان عمومی قیام می‌کنند، ناچار از شدت عمل هستند بنابراین، هرگونه اقدامی علیه حکومت به جای اینکه مذموم شمرده شود، مورد تحسین قرار می‌گیرد. مردم حکومت را از آن خود نمی‌دانند و خود را از حکومت جدا و بیگانه تلقی می‌کنند. مردم دیگر خود را موظف به اطاعت از آن نمی‌بینند و در نتیجه حکومت برای اجرای احکام خویش باید به زور تکیه کند. بر این اساس، حکومت بیشتر به زور و اجبار فیزیکی تکیه می‌کند و به این ترتیب بیگانگی میان مردم و حاکمان افزایش می‌یابد، تا جایی که حکومت با ضربه‌ای کوچک از هم پاشیده می‌شود.

۳-۳-۳- اسلام بنیاد گرا (رادیکال)

قبل از شهرت یافتن و جا افتادن واژه اسلام سیاسی غرب برای نامیدن آنچه در جهان اسلام اتفاق می‌افتاد بیشتر از واژگان بنیاد گرایی اسلامی و رادیکالیسم اسلامی استفاده می‌کرد. در تعریف بنیاد گرایی اسلامی آمده است: «اصطلاح بنیاد گرایی یا اصول گرایی، که بعد از انقلاب اسلامی در ایران منتشر شد یک اصطلاح قدیمی است که در گذشته در مورد متعصبین مذهبی، به خصوص در مورد گروهی از مسیحیان که حاضر به پذیرش هیچگونه تفسیر و تغییر در کتاب مقدس نبودند به کار می‌رفت». انوشیروان احتشامی «بنیاد گرایی اسلامی را نهضتی می‌داند که به ارزش های اولیه اسلامی معتقد است و پیروزی کشور های اسلامی را در باز گشت به آن ارزشها می‌داند، این نهضت به صورت یک عکس العمل اساسی، معنوی، روحی مسلمانان در مقابل یک بحران اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جلوه گر شده است، علاوه بر ترس از غربی شدن فرهنگ اسلامی به واکنش در مقابل مداخله مستقیم غرب نیز معطوف است» در تعریف رادیکالیسم اسلامی آمده است که رادیکالیسم اسلامی به اسلام به عنوان یک دین و یک فرهنگ اطلاق می‌شود که از چندی قبل با طرح مباحثی نظیر پان اسلامیم صورت گرفت که در صدد تحقق بخشی به یک پروژه سیاسی جدید است این اسلام انقلابی در مقابل قدرتهایی که دیگر اقتداری برایشان نمانده، رادیکال است.

۳-۳-۴- اسلام محافظه کار

برای توضیح در باب اسلام محافظه کار ابتدا مطالبی در باره خود محافظه کاری آورده می‌شود و سپس به خود

اسلام محافظه کار می پردازیم « محافظه کاری یعنی ترجیح امر محتوم بر امر مجهول امر آزموده بر امر نیازموده، واقعیت بر اسطوره، امر موجود بر امر مطلوب، و امر محدود بر امر نامحدود». محافظه کاری، بدین سان پای بند به امور مأنوس و ترس از آنچه تجربه نشده است، می باشد محافظه کاری را باید در واکنش به روشنگری فهمید. اسلام محافظه کار، سنت گرایی خود آگاهی است که در واکنش به تجدد غربی پدید آمده و در برابر تحولات دنیای مدرن تا آنجا که توانسته، ایستادگی کرده است. محافظه کاری دارای اصولی است که این اصول در باره ی اسلام محافظه کار نیز صدق می کند.

۴. ادبیات تحقیق

با بررسی گسترده به عمل آمده به نظر می رسد آثار منتشره در باب اسلام سیاسی را به ۵ دسته تقسیم کرد که از این ما دست به بهین گزینی در باب ۳ الگوی انقلابی، محافظه کار، رادیکال زدیم و داده هایی در ارتباط باسه الگو جمع آوری کردیم. موضوع تحقیق را می توان به چند بخش جزئی تقسیم کرد و به دنبال سوابق پژوهشی هر بخش بود و در مورد خود مشروعیت، چالش های مشروعیت، اسلام انقلابی، اسلام محافظه کار و اسلام رادیکال به صورت مجزا تحقیقات بسیاری صورت گرفته است که به مختصری از آن ها اشاره می شود. در مورد مشروعیت می توان از وبر و تقسیم بندیهای مشروعیتی ۳ گانه او نام برد که شامل مشروعیت سنتی، عقلایی، کارزماتیک است. نوشته های هابرماس و بالا خص کتاب بحران مشروعیت اونیز شایان ذکر است که در این کتاب با عنوان کردن چهار نوع مشروعیت، بحران مشروعیت را به عنوان عامل اصلی فروپاشی حکومت می داند. در باب اسلام انقلابی زین العابدین قربانی بخش سوم کتاب علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین را به بحث باز گشت به اسلام راستین اختصاص داده است. محسن کدیور در کتاب نظریه های دولت در فقه شیعه به بحث در باره انواع حکومت در فقه شیعه پرداخته و ازده نوع حکومت در اسلام که این انواع حکومت با توجه به خوانش هریک از معتقدان به دین مبین اسلام شکل گرفته، نام می برد. آیت الله مصباح یزدی در کتاب «پرسش ها و پاسخ ها» و «نظریه های سیاسی در اسلام» به اسلام به سوالات زیادی در خصوص اسلام انقلابی پرداخته و به آنها پاسخ داده است. آیت الله جوادی املی در کتاب «وحی، امامت، رهبری» به بسط نظریه انتصاب در باب مشروعیت انتصابی ولی فقیه پرداخته است. آیت الله منتظری در کتاب «دراسات فی ولایت فقیه» که ۵ جلدی است به خصوص در جلد دوم به مسئله انتخابی ولایت فقیه پرداخته است. جعفر پیشه فرد در کتاب "چالش هاش نظری ولایت فقیه" به چالش های نظری در باب ولایت فقیه پرداخته

است. ادوارد سعید در اسلام و شرق شناسی، ارنست گلنر، ترنر وهانری کربن اهم تحقیقات و پژوهش هایشان در باب اسلام، بنیاد گرایی و شکست اسلام سیاسی یا کم رنگ شدن آن است.

احمد موثقی در کتاب «جنبش های اسلامی معاصر» به نحله های مختلف در باب اسلام پرداخته و از مقوله های اسلام وهابی و سلفی، فیرحی در «کتاب قدرت، دانش» مشروعیت به رابطه ۳ گانه مذکور در سده ی میانه به سبک تبارشناسی فوکو پرداخته و دانش، قدرت و حقیقت را مورد بررسی قرار داده است. دکمجان در کتاب «بررسی پدیده بنیاد گرایی» به بحث بنیادگرایی اسلامی پرداخته است. صالحی نجف آبادی بحث ولایت انتخابی فقیه را مطرح کرده است. حسینی زاده در کتاب اسلام سیاسی در ایران چگونگی روی کار آمدن اسلام سیاسی و استقرار آن را در ایران مورد بررسی قرار داده است. کتاب های زیادی در خصوص تاریخچه ی اسلام سیاسی محافظه کار، آرا سلفی ها نوشته شده است از جمله کتاب «تاریخچه، نقد و بررسی وهابی ها» نوشته زهرا مسجد جامعی که روند شکل گیری اسلام سیاسی محافظه کار و آرا، نقد آنها نیز آمده است. حمید عنایت نیز دو کتاب در این حیطه دارد «سیری در اندیشه عرب معاصر» و «اندیشه های سیاسی در اسلام معاصر» به آرای اندیشمندان عرب و مسلمان از ابتدا تا امروز پرداخته ست. انور عبد الملک نیز در کتاب اندیشمندان معاصر عرب به بررسی آرای آنها پرداخته است. در ماه نامه ایران فردا نیز مطلبی تحت عنوان خشونت، محصول عدم مشروعیت در شماره ۵۱ در بهمن ۱۳۷۷ آمده است. کواکبان نیز چندین کتاب در حیطه اسلام انقلابی و مسایل آن دارد: «مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه» و «مردمسالاری دینی» و کتابهایی درباره دیدگاه آیت الله خمینی در باره ی مسائل گونه گونه.... شجاع احمدوند و محمد باقر خرمشاد نیز در خصوص اسلام انقلابی و مردم سالاری دینی و به خصوص احمدوند در حیطه بنیاد گرایی و «دانش و قدرت در ایران» دارای کتابها و تألیفاتی هستند.

۵.اهداف پژوهش

اهداف پژوهش عبارت است از ضرورت های خاصی که انجام پژوهش را ایجاب می سازد، در این مورد باید خاطر نشان کرد که بررسی ابعاد و زوایای مختلف دین اسلام، الگوهای مختلف اسلام، چه آن هایی که قدرت را قبضه کرده و چه آنهایی که دایر مدار قدرت نیستند یکی از مباحثی است که هم در داخل کشور های اسلامی و هم در خارج از کشور های اسلامی مورد توجه است. هدف این است که سه الگوی اسلام سیاسی، انقلابی، محافظه کار و رادیکال را مورد بررسی قرار دهیم که همین ما را در شناخت هر چه بیشتر این سه الگو یاری می رساند و